

به نام خدا

ما و آزمون مجدد انتخابات شوراها

یادداشت آقای مهندس محمد توسلی اولین شهردار تهران بعد از انقلاب

۱۳۸۵/۸/۲۷

انتخابات خبرگان رهبری و شوراها ۲۴ آذرماه برگزار خواهد شد. درباره‌ی انتخابات خبرگان رهبری باتوجه به مبانی، سوابق و عملکرد آن و همچنین رد صلاحیت گسترده نامزدهای روحانی که حتی برخی از اعضای کنونی خبرگان را نیز دربر گرفته است و در نامه اعتراض‌آمیز اخیر جناب آقای کروی نیز منعکس بود، جای سؤال و ابهامی را باقی نگذارده و مردم آگاه ایران به وظایف دینی و ملی خویش عمل خواهند کرد.

اما به نظر می‌رسد در انتخابات شوراها باتوجه به نقش و جایگاه شوراها در تقویت فرایند دموکراسی از یک سو و عملکرد جناحی متولیان انتخابات از سوی دیگر، سئوالات و ابهاماتی وجود دارد که متولیان انتخابات، احزاب و گروههای سیاسی و آحاد ملت را با چالش و آزمون مجددی روبرو ساخته است.

برای روشن شدن ابعاد این آزمون، بایستی سئوالات و ابهامات را بی‌پرده مطرح کرد و در هر مورد توضیحاتی ارائه داد تا تصمیم‌گیری و اقدامات، در این خصوص با آگاهی و قبول مسئولیت بیشتری همراه باشد.

۱- مردم در انتخابات شوراها با علاقه بیشتری شرکت می‌کنند زیرا شوراها بستر عملی برای پاسخ به مطالبات روزمره و تاریخی آنان - دست کم بعد از انقلاب مشروطیت - و به دست گرفتن اختیار اداره روستاها، شهرها و استان‌ها و کشور و مشارکت در اداره امور جاری خویش است. رقابتهای محلی در سطح روستاها و شهرهای کوچک و متوسط موجب می‌شود در برخی از شهرها بیش از ۹۰ درصد مردم بطور طبیعی در این انتخابات شرکت کنند. در کلان‌شهرها علاوه بر موارد یاد شده رقابت سیاسی نیز می‌تواند عامل مؤثر دیگری برای مشارکت مردم در انتخابات شوراها باشد.

۲- بعد از پیروزی انقلاب اسلامی سال ۵۷ تدوین‌کنندگان قانون اساسی در اصول ششم و هفتم و اصول یکصد تا یکصد و ششم فصل هفتم قانون اساسی وظایف و اختیارات شوراها را تبیین و نهاد شوراها را در عرض نهادهای انتخابی مجلس و رئیس جمهور یعنی بخشی از قدرت معرفی کرده است. حضور نوعی نگاه اقتدارگرایانه در مدیریت کشور موجب شده است اجرای قانون شوراها به تعویق افتد و اختیارات لازم به شوراها تفویض نشود تا بتوانند در چارچوب اصول قانون اساسی به وظایف مهم و گسترده خود عمل کنند. اجرای قانون مصوب ناقص شوراها در سال ۱۳۷۷ در دولت اصلاحات را بایستی گام بلندی در راستای اجرای این اصول قانون اساسی ارزیابی کرد.

۳- به رغم ضرورتها و زمینه‌های تاریخی و قانونی یادشده، برای حضور و مشارکت گسترده مردم در انتخابات شوراها، عملکرد جناحی متولیان انتخابات دولت نهم موجب کاهش انگیزه مشارکت مردم گردیده است. معمولاً دولتها - دست کم در مقطع انتخابات - برای جلب مشارکت مردم به انتظارات طبیعی آنان یعنی تأمین شرایط انتخابات آزاد و سالم پاسخ می‌دهند. دست کم برای نمایش آزادی انتخابات، فشار و محدودیت از رسانه‌ها کاسته می‌شود تا دیدگاههای مختلف بتواند ظهور و بروز پیدا کند و مردم بتوانند برنامه‌ها و نامزدهای مورد علاقه خویش را گزینش کنند و با آگاهی در پای صندوق‌های رأی حاضر شوند. با کمال تأسف دولت نهم و مسئولان انتخابات آن نه تنها به این ضرورت‌های حداقلی عمل نکرده‌اند، بلکه با توقیف نشریات مؤثر و ایجاد محدودیت برای نشریات موجود و سایر وسایل ارتباط الکترونیکی مانند اینترنت و سایت‌ها، گردش آزاد اطلاعات را محدودتر ساخته‌اند. از سوی دیگر هیئت‌های اجرائی و نظارت نیز بطور یکدست از جناح محافظه‌کار دولت نهم که خود را اصولگرا می‌نامند انتخاب کرده است. مجلس هفتم برخلاف عرف مجلس‌های پیشین (مجلس ششم) که در هیئت‌های نظارت، از اقلیت مجلس نیز نمایندگان حضور داشتند، از حضور آنان جلوگیری کرده است. به این ترتیب، با یکدست شدن مجریان، هیئت‌های اجرایی و نظارت انتخابات، از سلامت انتخابات نیز سلب اعتماد شده است.

۴- اخبار و گزارشهای منتشر شده درخصوص بررسی صلاحیت نامزدهای شوراها در هیئت‌های اجرائی اعمال نظر جناحی متولیان انتخابات را نشان می‌دهد. در بسیاری از

شهرها اکثریت و یا تمامی نامزدهای اصلاح‌طلبان ردصلاحیت شده‌اند. در برخی از استانها براساس اخبار دریافت شده تمامی نامزدهای اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران ردصلاحیت شده‌اند و صرفاً فهرست نامزدهای وابسته به نهادهای پادگانی مورد تأیید قرار گرفته‌اند. روند رد صلاحیت‌ها این شائبه را به وجود آورده است که مانند عملکرد شورای نگهبان در انتخابات مجلس هفتم متولیان انتخابات شوراهای سوم قصد دارند با رد صلاحیت اکثر و یا همه نامزدهای باسابقه و شناخته شده، افراد وابسته به نهادهای خاص را در شوراها مهره‌چینی کنند و از شوراها استفاده ابزاری شود. طبیعی است که چنین روندی سلامت انتخابات را مخدوش می‌کند و انگیزه مشارکت مردم در چنین انتخاباتی را کاهش خواهد داد. در صورت درست بودن چنین تحلیلی از روند انتخابات، متولیان انتخابات و مسئولان کشور با آزمون بزرگی روبرو خواهند بود و بایستی پاسخگوی پیامدهای خطیر آن باشند. در چنین شرایطی ضروری است هیئت‌های نظارت با رسیدگی قانونی و غیرجناحی و تأیید صلاحیت همه نامزدهای موجه، چنین تحلیل و شائبه‌ای را منتفی سازند و با ایجاد فضای انتخابات آزاد، سالم و رقابتی زمینه مشارکت بیشتر مردم در انتخابات را فراهم سازند.

۵- اما احزاب، گروههای سیاسی و مردم نیز با چالش و آزمون مجددی روبرو هستند. در انتخابات شوراهای دوم - به دلایلی که قبلاً برشمرده شده است - در کلان شهرها از جمله تهران مردم حضور بسیار کم‌رنگی داشتند. در تهران حدود ۱۱ درصد واجدین شرایط در انتخابات شوراها شرکت کردند و سرنوشت مدیریت شهر تهران در اختیار گروه ناشناخته‌ای از نهادهای خاص قرار گرفت. در آن انتخابات هیئت‌های نظارت از مجلس ششم اعمال نظر جناحی نکردند و صلاحیت نامزدهای احزاب سیاسی منتقد حاکمان مانند نهضت آزادی ایران را مطابق قانون تأیید کردند. پیامد طبیعی عدم مشارکت مردم در آن انتخابات تحولات سیاسی چهارسال اخیر کشور در عرصه داخلی و بین‌المللی است که مردم ایران با نگرانی رویدادهای آن را پی می‌گیرند.

۶- در انتخابات شوراهای سوم، سه گزینه زیر پیش روی احزاب، گروههای سیاسی و مردم قرار دارد :

اول - شرکت بدون قید و شرط در انتخابات

دوم - عدم شرکت در انتخابات

سوم - شرکت مشروط توأم با رأی اعتراض

گزینه اول - همانگونه که در بالا گفته شد در روستاها و شهرهای کوچک به علت رقابتهای محلی، مردم بطور طبیعی و گسترده در انتخابات شوراها شرکت می‌کنند. در کلان‌شهرها اتفاقاً جناح حاکم از این که مردم به طور وسیع در انتخابات شرکت نکنند استقبال می‌کند تا مانند انتخابات شوراهای دوم با آراء سازمان یافته نهادهای وابسته به خود کرسیهای شورای شهرها را بطور کامل در اختیار بگیرند. همه به یاد داریم در انتخابات شوراهای دوم محافظه‌کاران تبلیغ کردند که مؤمنین در این انتخابات شرکت نمی‌کنند و رسانه‌ها نقش کمرنگی برای دعوت مردم به شرکت در انتخابات داشتند تا با مشارکت محدود و سازمان یافته به اهداف خویش دست یابند.

البته در تهران در این دوره وضعیت متفاوت است. رقابت فشرده بین دو گروه موجود در شورای شهر تهران احتمالاً موجب شده است تا صلاحیت اصلاح‌طلبان عموماً تأیید شود و در صورتیکه اصلاح‌طلبان نتوانند در تهران روی لیست واحدی توافق کنند، و نامزدها از صلاحیت اعتبار بالائی برخوردار نباشند، احتمالاً آرای مستقل شهر تهران کم و پراکنده خواهد بود و کرسیهای شورای شهر تهران مجدداً در اختیار دو گروه موجود شورای شهر - البته با تغییرات جزئی - قرار خواهد گرفت.

در چنین شرایطی توصیه می‌شود ستادهای انتخابات احزاب اصلاح‌طلب درون حاکمیت ضمن تلاش برای ارائه لیست واحد - یا دست‌کم همپوشانی حداکثری افراد مشترک - از افراد با سابقه موجه در خدمات و مدیریت شهری استفاده کنند که بتوانند پاسخگوی مردم در انجام وظایف خطیر شورای شهر باشند. نامزدها در برنامه‌های خود بایستی به این نکته مهم توجه و تصریح داشته باشند که وظایف و خدمات شورای شهر سیاسی نیست و به آن پایبند خواهند بود.

گزینه دوم - عدم شرکت در انتخابات ساده‌ترین واکنش به مسئله انتخابات است. دلایل موجه برای عدم شرکت در انتخابات نیز توسط متولیان انتخابات در اختیار این گزینه قرار داده شده است. معضل آزادی و سلامت انتخابات که قبلاً اشاره شد و برخورد جناحی و خلاف قانون متولیان انتخابات در رد صلاحیت‌های گسترده، انتخاب این گزینه را برای برخی از احزاب، گروه‌های سیاسی و مردم توجیه می‌کند. اما همزمان بایستی به این سؤال کلیدی نیز پاسخ داده شود که هزینه و فایده این گزینه چیست؟ البته عدم شرکت گسترده مردم در انتخابات در حد ۷۰ درصد برای اعتراض به عملکرد متولیان انتخابات روشی است دموکراتیک و کاملاً مشروع، اما در شرایطی که دست‌کم بیش از ۵۰ درصد مردم در انتخابات شوراها شرکت می‌کنند، عدم شرکت نه به معنی سلب مشروعیت نسبی از انتخابات و حاکمان است و نه در راستای منافع ملی قابل ارزیابی است. عدم مشارکت مردم در انتخابات شوراهای دوم کلان‌شهرها به نفع چه جریانی تمام شد؟ از عدم شرکت حدود ۳۰ میلیون نفر از واجدین رأی در انتخابات ریاست جمهوری نهم چه جناحی بهره‌مند گردید؟ این روند اهداف کدام استراتژی و برنامه را تأمین می‌کند و آیا پیامدهای آن در راستای منافع ملی است؟ پاسخ به این سئوالات دست‌کم برای مردم آگاه ایران پوشیده نیست و از پرداختن به آنها در این یادداشت صرف‌نظر می‌کنم.

گزینه سوم - به نظر می‌رسد شرکت مشروط در انتخابات شوراها توأم با رأی اعتراض و تلاش آگاهی‌بخش راهکار استراتژیک و واقع‌بینانه و در راستای مطالبات تاریخی مردم و تقویت فرایند دموکراسی باشد. در این گزینه احزاب و گروه‌های سیاسی می‌توانند با کار توضیحی و آگاهی‌بخش و برجسته کردن جایگاه و نقش نهاد شوراها از مردم روستاها و شهرها بطور کلی بخواهند در انتخابات شوراها شرکت کنند و تا حد امکان به نامزدهای مستقل و امین که توانائی انجام وظایف و خدمات شوراها را داشته باشند رأی بدهند. افرادی که قبلاً در شوراها یا سمت‌های دیگر سابقه خدمات مفید داشته و باور به نهاد شورا و توانایی خود را برای ارائه خدمات صادقانه به مردم نشان داده باشند می‌توانند با اولویت با سایر نامزدها مورد مقایسه و ارزیابی قرار گیرند.

در شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها مردم در هر شهر متناسب با شرایط خاص می‌توانند باتوجه به فهرست نامزدهای تأیید صلاحیت شده بررسی و تصمیم‌گیری کنند. در صورتیکه

اصلاح‌طلبان فهرست واحد و واجد صلاحیت معرفی کرده باشند، حمایت از چنین فهرستی مفید خواهد بود.

در صورتیکه اصلاح‌طلبان در یک شهر لیست واحدی ارائه نکرده باشند، می‌توان افراد مشترک لیست‌های اصلاح‌طلبان را که موجه باشند مورد حمایت قرار داد.

در شرایطی که تمام نامزدهای اصلاح‌طلبان در یک شهر رد صلاحیت شده باشند می‌توان یکی از نامزدهای نسبتاً موجه تأیید صلاحیت شده را مورد حمایت قرار داد. این حمایت "رأی اعتراض" به عملکرد متولیان انتخابات در آن شهر و مسئولان کشور محسوب خواهد شد.

سرانجام اگر هیچیک از شرایط فوق موجود و مورد توجه نباشد می‌توان فقط از مردم خواست که در انتخابات شوراها شرکت کنند و خود تصمیم لازم را درخصوص نحوه حمایت از نامزدهای شوراها اتخاذ کنند.

به نظر می‌رسد حضور بیش از ۱۵۰ هزار نفر در شوراهای سراسر کشور که بستری است برای تربیت کار جمعی و تمرین دموکراسی، می‌تواند گام مثبتی برای تقویت نهاد شوراها و فرایند دموکراسی در ایران باشد. تجربه دو شورای اول نشان می‌دهد که حتی افراد مرتبط با جریان محافظه‌کار نیز در این فرایند تربیت می‌شوند و مدافع فرهنگ شورائی و ضرورت مشارکت نهادمند مردم در اداره کشور شده‌اند.

همانگونه که توضیح داده شد، متولیان انتخابات، مسئولان کشور، احزاب و گروه‌های سیاسی و همچنین آحاد ملت ایران در انتخابات سومین دوره شوراها در آزمون مجددی قرار دارند، بلوغ سیاسی مردم و بهره‌گیری از تجربیات گذشته می‌تواند چراغ راه تصمیم‌سازی مردم در انتخابات سومین دوره شوراها باشد.